

واژگان

از خدا پروا کنید <input type="checkbox"/>	از خدا ترسیدند <input type="checkbox"/>	اتَّقُوا اللَّهَ	ترسید <input type="checkbox"/>	پرهیزگارتر <input type="checkbox"/>	اتَّقَى
غیبت کردن <input type="checkbox"/>	ریشخند کردن <input type="checkbox"/>	اسْتِهْزَأَ	سرکشی <input type="checkbox"/>	گناه <input type="checkbox"/>	إِثْمٌ
نباید تهمت بزند <input type="checkbox"/>	نباید غیبت کند <input type="checkbox"/>	لَا يَغْتَابُ	تهمت زد <input type="checkbox"/>	غیبت کرد <input type="checkbox"/>	إِغْتَابٌ
که باشید <input type="checkbox"/>	که باشند <input type="checkbox"/>	أَنْ يَكُونُوا	که باشد <input type="checkbox"/>	که باشند <input type="checkbox"/>	أَنْ يَكُنَّ
دیگران <input type="checkbox"/>	یکدیگر <input type="checkbox"/>	بَعْضٌ ... بَعْضٍ	هدایت کرد <input type="checkbox"/>	هدیه داد <input type="checkbox"/>	أَهْدَى
ناپسند بدار <input type="checkbox"/>	بد است <input type="checkbox"/>	يُسُّ	توبه کرد <input type="checkbox"/>	آراسته شد <input type="checkbox"/>	تَابَ
تخفیف دادن <input type="checkbox"/>	فرود آمدن <input type="checkbox"/>	تَخْفِيفٌ	جاسوسی کرد <input type="checkbox"/>	بازی‌گوشی کرد <input type="checkbox"/>	تَجَسَّسٌ
آراسته نشد <input type="checkbox"/>	توبه نکرد <input type="checkbox"/>	لَمْ يَتَّبِ	شهرت یافتن <input type="checkbox"/>	نام دادن، نامیدن <input type="checkbox"/>	تَسْمِيَةٌ
بسیار سرگردان و حیران <input type="checkbox"/>	بسیار توبه‌پذیر، بسیار توبه‌کننده <input type="checkbox"/>	تَوَّابٌ	به یکدیگر لقب‌های زشت دادن <input type="checkbox"/>	به یکدیگر تهمت زدن <input type="checkbox"/>	تَنَابَرٌ بِالْأَلْقَابِ
حرام کرد <input type="checkbox"/>	باز داشت <input type="checkbox"/>	حَرَّمَ	رساندن <input type="checkbox"/>	ارتباط <input type="checkbox"/>	تَوَاصُلٌ
بشتاب <input type="checkbox"/>	زندگی <input type="checkbox"/>	حَيٌّ	نیکو گردانیدی <input type="checkbox"/>	نیکو گردید <input type="checkbox"/>	حَسَّنْتَ
ستیز کن <input type="checkbox"/>	کوشش کن <input type="checkbox"/>	جَادِلٌ	سبک، کم‌وزن <input type="checkbox"/>	پنهان <input type="checkbox"/>	خَفِيَ
گناه کرد <input type="checkbox"/>	بد شد <input type="checkbox"/>	سَاءَ	همسر <input type="checkbox"/>	همکار <input type="checkbox"/>	زَمِيلٌ
مسخره نمی‌کند <input type="checkbox"/>	نباید مسخره کند <input type="checkbox"/>	لَا يَسْخَرُ	سلطه یافت <input type="checkbox"/>	مسخره کرد <input type="checkbox"/>	سَخَّرَ مِنْ
آرامش، متانت <input type="checkbox"/>	سکونت <input type="checkbox"/>	سَكِينَةٌ	جایگاه <input type="checkbox"/>	قیمت <input type="checkbox"/>	سِعْرٌ (جمع: أَسْعَارٌ)
آشکار کردن <input type="checkbox"/>	پدیده <input type="checkbox"/>	ظَاهِرٌ	گمراه شد <input type="checkbox"/>	تاریک شد <input type="checkbox"/>	ضَلَّ
عذاب داد <input type="checkbox"/>	گوارا کرد <input type="checkbox"/>	عَدَّبَ	بهتان زد <input type="checkbox"/>	عیب‌جویی کرد <input type="checkbox"/>	عَابَ
تسلط یافت <input type="checkbox"/>	چیره شدی <input type="checkbox"/>	عَظَبْتُ	نزدیک است <input type="checkbox"/>	شاید <input type="checkbox"/>	عَسَى (زُبْمًا)
بی‌آبرویی <input type="checkbox"/>	رسوا کردن <input type="checkbox"/>	فَضَحَ	نادانی، جاهلیت <input type="checkbox"/>	آلوده شدن به گناه <input type="checkbox"/>	فُسُوقٌ
گاهی می‌باشد، شاید باشد <input type="checkbox"/>	حتماً می‌باشد <input type="checkbox"/>	قَدْ يَكُونُ	گاهی، شاید <input type="checkbox"/>	قطعاً، حتماً <input type="checkbox"/>	قَدْ (بر سر فعل مضارع)
گناهان کوچک <input type="checkbox"/>	گناهان بزرگ <input type="checkbox"/>	كِبَائِرٌ (مفرد: كَبِيرَةٌ)	سپیده‌دم <input type="checkbox"/>	افق <input type="checkbox"/>	فَلَقٌ
تا کامل گردد <input type="checkbox"/>	تا کامل کنم <input type="checkbox"/>	لِأَتَمِّمْ	ناپسند داشت <input type="checkbox"/>	وادار کرد <input type="checkbox"/>	كَرِهَ
لقب داد <input type="checkbox"/>	نامگذاری کرد <input type="checkbox"/>	لَقَّبَ	گوشت <input type="checkbox"/>	پوست <input type="checkbox"/>	لَحْمٌ (جمع: لُحُومٌ)
تجارت <input type="checkbox"/>	مغازه <input type="checkbox"/>	مَتَجَّرٌ	غیبت کرد <input type="checkbox"/>	عیب‌گرفت <input type="checkbox"/>	لَمَزَ
وزنه <input type="checkbox"/>	ترازو <input type="checkbox"/>	مِيزَانٌ	مرگ <input type="checkbox"/>	مرده <input type="checkbox"/>	مَيِّتٌ (جمع: أموات، موتی)
گسترش، نشر <input type="checkbox"/>	توان، طاقت <input type="checkbox"/>	وُسْعٌ	شخصیت <input type="checkbox"/>	جنس <input type="checkbox"/>	نَوْعِيَّةٌ

مِن آيَاتِ الْأَخْلَاقِ (از آیه‌های اخلاق)

به نام خداوند بخشنده مهربان	﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾
ای کسانی که گروهی (از میان مردان شما) گروهی (دیگر) را	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ
..... آنان از ایشان و از زنانی دیگر را نباید مسخره کنند.	عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءِ
..... و از خودتان	عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ
و لقب‌های زشت به یکدیگر نام آلوده شدن به گناه پس از ایمان	و لَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ
و (از گناه) پس همان ستمکاران هستند.	وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ *
..... ایمان آوردید از گمان [بد] همانا برخی گمان [های بد] است.	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِمَّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ
و و غیبت یکدیگر را نکنید.	و لَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا.
آیا دوست دارد که گوشت خود را در حالی که مرده است، بخورد؟ پس از آن	أَ يَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ
و از خدا پروا کنید همانا خداوند مهربان است.	و اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾ الخجرات: ۱۱ و ۱۲
..... میان مردم می‌باشد که او از ما است، پس ما باید از دوری کنیم.	قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا، فَلَمَّا بَدَأْنَا أَنْ نَبْتَدِعَ عَنِ الْعُجْبِ.
و عیب‌های را با سخنی یا با اشاره‌ای (کنایه‌ای)	وَأَنْ لَا نَذْكَرَ عِيُوبَ الْأَخْرَبِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ.
پس امیرالمؤمنین علی <small>عليه السلام</small> فرموده است: « عیب [آن است] که آنچه مانند آن در توست،»	فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ <small>عليه السلام</small> : «أَكْبَرُ الْعُيُوبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ».
آیه اول ما را و می‌گوید: از دیگران	تَنْصَحُنَا الْآيَةَ الْأُولَىٰ وَ تَقُولُ: لَا تَعِيبُوا الْأَخْرَبِينَ.
و آنان را با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند چه عمل بدی است! و آن را پس او از ستمگران است.	و لَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْأَقَابِ يَكْرَهُنَّهَا. بئس العملُ الفسوقُ! و مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.
..... ، پس خداوند در این دو آیه	إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:
..... دیگران و آنان با نام‌های	- الْأَسْمَاءُ بِالْأَخْرَبِينَ، وَ تَسْمِيَّتُهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.
..... و آن شخص به شخصی بدون دلیلی منطقی است.	- سَوْءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ أَنَّهُمْ شَخْصٌ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

- التَّجَسُّسُ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ.	- و آن زشت برای کشف رازهای مردم برای آنان است.
وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.	و آن از در مکتب (دین) ما و از اخلاق است.
- وَ الْغَيْبَةُ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.	- و غیبت و آن از دلایل قطع میان مردم است.
سَمِّيَ بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجْرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَاتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.	برخی مفسران سوره حجراتی که در آن، آیه آمده است، سوره اخلاق

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأُ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (درست و نادرست را بر اساس متن درس مشخص کن.)

۱ سَمِّيَ بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجْرَاتِ بِقَلْبِ الْقُرْآنِ.

برخی مفسران سوره حجرات را به قلب قرآن نامگذاری کردند.

۲ سَوْءُ الظَّنِّ هُوَ اتِّهَامٌ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

بدگمانی همان اتهام فردی به فردی دیگر بدون دلیلی منطقی است.

۳ الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تُذْكَرَ أَحَاكُ وَ أُحْتَكَّ بِمَا يَكْرَهُانِ.

غیبت عبارت است از آنچه را ناپسند می‌دارند [درباره] برادر و خواهرت ذکر کنی.

۴ إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ مِنَ الْفُسُوقِ وَ قَطْعِ التَّوَاصُلِ.

همانا خدا مردم را از آلوده شدن به گناه و قطع ارتباط بازمی‌دارد.

۵ السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.

تلاش برای شناخت رازهای دیگران امری پسندیده است.

• اِعلَمُوا •

• قَوَاعِد •

مروری گذرا بر قواعد سال‌های گذشته

اسم الفاعل، اسم المفعول، اسم المبالغة

اسم فاعل: اسم فاعل به معنای «انجام‌دهنده کار یا دارنده حالت» می‌باشد و معادل صفت فاعلی زبان فارسی است و به دو صورت ساخته می‌شود:

الف) هرگاه سوم شخص مفرد فعل ماضی تنها از سه حرف تشکیل شده باشد، اسم فاعل بر وزن «فاعل» می‌آید؛ مثال:

ماضی	اسم فاعل	صفت فاعلی	ماضی	اسم فاعل	صفت فاعلی	ماضی	اسم فاعل	صفت فاعلی
عَفَرَ	غَافِرٌ	أَمْرَزَنده	صَنَعَ	صَانِعٌ	سازنده	خَلَقَ	خَالِقٌ	آفریدگار

ب) هرگاه سوم شخص مفرد فعل ماضی از بیش‌تر از سه حرف تشکیل شده باشد، اسم فاعل از فعل مضارع همراه با تغییرات زیر حاصل می‌گردد:

۱) حرف مضارعه «ی» برداشته شده و جای آن «م» گذاشته می‌شود.

۲) دومین حرف اصلی فعل (عین‌الفعل) کسره «ی» می‌گیرد.

مضارع	اسم فاعل	صفت فاعلی	مضارع	اسم فاعل	صفت فاعلی	مضارع	اسم فاعل	صفت فاعلی
يُشَاهِدُ	مُشَاهِدٌ	بیننده	يُنْكِسِرُ	مُنْكِسِرٌ	شکسته‌شونده	يُرْسِلُ	مُرْسِلٌ	فرستنده
(ماضی: شَاهَدَ)			(ماضی: اِنْكَسَرَ)			(ماضی: اُرْسِلَ)		

اسم مفعول: اسم مفعول به معنای «انجام شده» است و معادل صفت مفعولی زبان فارسی است و به دو صورت ساخته می‌شود:

الف) هرگاه سوم شخص مفرد فعل ماضی تنها از سه حرف تشکیل شده باشد، اسم مفعول بر وزن «مَفْعُول» می‌آید؛ مثال:

ماضی	اسم مفعول	صفت مفعولی	ماضی	اسم مفعول	صفت مفعولی	ماضی	اسم مفعول	صفت مفعولی
عَفَّرَ	مَعْفُورٌ	آمرزیده شده	صَنَعَ	مَصْنُوعٌ	ساخته شده	خَلَقَ	مَخْلُوقٌ	آفریده شده

ب) هرگاه سوم شخص مفرد فعل ماضی از بیش‌تر از سه حرف تشکیل شده باشد، اسم مفعول از فعل مضارع همراه تغییرات زیر حاصل می‌گردد:

۱) حرف مضارعة «ب» برداشته شده و جای آن «م» گذاشته می‌شود.

۲) دومین حرف اصلی فعل (عین الفعل) فتحه «ـَ» می‌گیرد.

ماضی	اسم مفعول	صفت مفعولی	مضارع	اسم مفعول	صفت مفعولی	مضارع	اسم مفعول	صفت مفعولی
يُشَاهِدُ	مُشَاهَدٌ	دیده شده	يُرْسِلُ	مُرْسَلٌ	فرستاده شده	يُقَلِّدُ	مُقَلِّدٌ	تقلید شده
(ماضی: شَاهَدَ)			(ماضی: أَرْسَلَ)			(ماضی: قَلَّدَ)		

اسم مبالغه: اسم مبالغه بر بسیاری صفت یا بسیار انجام دادن کاری دلالت دارد و بر وزن‌های زیر می‌آید:

الف) فَعَّال: (بسیار آمرزنده)، زَرَّاقٌ (بسیار روزی‌دهنده)، كَذَّابٌ (بسیار دروغگو)، خَلَّاقٌ (بسیار آفریننده)، سَتَّارٌ (بسیار پوشاننده) و ...

ب) فَعَّالَةٌ: (بسیار دانا)، أَمَّازَةٌ (بسیار امرکننده)، فَهَّامَةٌ (بسیار فهمیده)، لَوَّامَةٌ (بسیار سرزنشگر)، صَبَّازَةٌ (بسیار بردبار) و ...

نکات

۱) گاهی وزن «فَعَّال» و «فَعَّالَةٌ» بر شغل دلالت می‌کنند؛ **مثال:** حَبَّازٌ (نانوا)، حَدَّادٌ (آهنگر)، بَزَّارٌ (پارچه‌فروش)، قَصَّابٌ، نَجَّارٌ و ...

۲) گاهی وزن «فَعَّالَةٌ» بر ابزار، وسیله یا دستگاه دلالت می‌کند؛ **مثال:** فِتَّاحَةٌ (دربازکن)، نَظَّارَةٌ (عینک)، سَيَّارَةٌ (خودرو) و ...

فعل‌هایی (ماضی، مضارع، امر) که ماضی آن‌ها در ساختار سوم شخص مفرد، از بیش از سه حرف تشکیل شده است، وزن و قالب مشخصی دارند که عبارت‌اند از:

الْمَاضِي	الْمَضْرَع	الْأَمْر	الْمَضْدَر
أَفْعَلٌ	يُفْعَلُ	أَفْعُلْ	إِفْعَالٌ
أَحْسَنٌ	يُحْسِنُ	أَحْسِنْ	إِحْسَانٌ: نیکی کردن
فَعَّلَ	يَفْعَلُ	فَعَّلْ	تَفْعِيلٌ
عَلَّمَ	يُعَلِّمُ	عَلِّمْ	تَعْلِيمٌ: آموزش دادن
فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	مُفَاعَلَةٌ
سَافَرَ	يُسَافِرُ	سَافِرْ	مُسَافِرَةٌ: سفر کردن
تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ
تَبَادَلَ	يَتَبَادَلُ	تَبَادَلْ	تَبَادُلٌ: عوض کردن
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّلٌ
تَعَلَّمَ	يَتَعَلَّمُ	تَعَلَّمْ	تَعَلُّمٌ: یاد گرفتن
إِفْتَعَلَ	يُفْتَعَلُ	إِفْتَعَلْ	إِفْتِعَالٌ
إِفْتَرَبَ	يُفْتَرِبُ	إِفْتَرِبْ	إِفْتِرَابٌ: نزدیک شدن
إِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	إِنْفَعِلْ	إِنْفِعَالٌ
إِنكَسَرَ	يَنْكَسِرُ	إِنكَسِرْ	إِنكِسَارٌ: شکسته شدن
إِسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	إِسْتَفْعِلْ	إِسْتِفْعَالٌ
إِسْتَعْفَرَ	يَسْتَعْفِرُ	إِسْتَعْفِرْ	إِسْتِعْفَارٌ: آمرزش خواستن

اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ

اسم تفضیل: اسمی است که بر برتری یک فرد یا یک چیز نسبت به فرد یا افراد یا چیزهای دیگر دلالت می‌کند و معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» زبان فارسی است. اسم تفضیل بر وزن‌های زیر می‌آید:

الف) مذکر: بر وزن «أَفْعَل» می‌آید: أَكْبَرُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین)، أَفْضَلُ (برتر، برترین)، أَصْغَرُ (کوچک‌تر، کوچک‌ترین)، أَحْسَنُ (خوب‌تر، خوب‌ترین)، ...
ب) مؤنث: بر وزن «فُعْلَى، فُعْلَا» می‌آید: عَظْمَى (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین)، دُنْيَا (پست‌تر، پست‌ترین)، كِبْرَى (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین)، صُغْرَى (کوچک‌تر، کوچک‌ترین)، ...

نکات

- ۱) هرگاه اسم تفضیل بیانگر مقایسهٔ یک یا چند نفر با همدیگر باشد، معادل صفت برتر است و پس از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِنْ» می‌آید؛
مثال: آسیا أَكْبَرُ مِنْ أوروپا: آسیا بزرگ‌تر از اروپا است.
 جَبَلٌ دَمَوْنِدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا: کوه دماوند بلندتر از کوه دنا است.
 - ۲) اسم تفضیل در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن مذکر «أَفْعَل» می‌آید؛
مثال: فاطمة أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَب: فاطمه بزرگ‌تر از زینب است.
 هذه الشَّجَرَةُ أَعْلَى مِنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ: این درخت بلندتر از آن درخت است.
 - ۳) اسم تفضیل مذکر و مؤنث می‌تواند به صورت الف کشیده (ا) یا الف مقصوره (ی) بیاید؛ **مثال:** أَعْلَى (بلندتر، بلندترین)، أَعْلَى (گران‌تر، گران‌ترین)، دُنْيَا (پست‌تر، پست‌ترین)، ...
 - ۴) هرگاه حروف دوم و سوم کلمه‌ای سه‌حرفی عین هم باشند، هنگام ساختن اسم تفضیل، آن حروف یک‌بار نوشته شده و روی آن تشدید می‌گذارند؛
مثال: ع - ز - ز (أَفْعَل): أَعَزُّ ← أَعَزُّ (عزیزتر، عزیزترین) / ق - ل - ل (أَفْعَل): أَقَلُّ ← أَقَلُّ (کم‌تر، کم‌ترین)
 ش - د - د (أَفْعَل): أَشَدُّ ← أَشَدُّ (سخت‌تر، سخت‌ترین) / ذ - ل - ل (أَفْعَل): أَذَلُّ ← أَذَلُّ (خوارتر، خوارترین)
 ح - ب - ب (أَفْعَل): أَحَبُّ ← أَحَبُّ (دوست‌داشتنی‌تر، دوست‌داشتنی‌ترین) / ض - ل - ل (أَفْعَل): أَضَلُّ ← أَضَلُّ (گمراه‌تر، گمراه‌ترین)
 - ۵) هرگاه پس از اسم تفضیل حرف جرّ «مِنْ» نیاید و اسم تفضیل به صورت ترکیب اضافی یعنی مضاف و مضاف‌الیه بیاید، اسم تفضیل معادل صفت عالی «برترین» می‌باشد؛
مثال: آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ: آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.
 جَبَلٌ دَمَوْنِدٌ أَعْلَى جَبَلِ فِي إِيْرَانٍ: کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.
 - ۶) جمع مکسر اسم تفضیل معمولاً بر وزن «أَفَاعِل» است؛ **مثال:** أَكْبَرُ ← أَكْبَرُ / أَفْضَلُ ← أَفْضَلُ / أَقْرَبُ ← أَقْرَبُ / أَزْدَلُ ← أَزْدَلُ
- اسم مکان:** اسم مکان بر مکان دلالت دارد و بیش‌تر بر وزن «مَفْعَل» و گاهی بر وزن‌های «مَفْعِل» و «مَفْعَلَةٌ» است؛ **مثال:**
- الف) وزن «مَفْعَل»:** مَحْرَن: انبار / مَطْبَخ: آشپزخانه / مَمَر: راهرو، گذرگاه / مَلْعَب: ورزشگاه / مَصْنَع: کارخانه / مَطْعَم: رستوران / مَحْشَر: جای گرد آمدن مردم / مَأْوَى: پناهگاه
- ب) وزن «مَفْعِل»:** مَنْزِل: خانه / مَحْفِل: مجلس، انجمن / مَجْلِس: محل نشستن / مَغْرِب: مکان غروب
- ج) وزن «مَفْعَلَةٌ»:** مَدْرَسَةٌ: آموزشگاه، مدرسه / مَحْفَلَةٌ: کیف / مَرْزَعَةٌ: کشتزار / مَعْرَكَةٌ: میدان جنگ
- تذکر:** جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» است؛ **مثال:** مَلَاعِب، مَدَارِس، مَخَازِن، مَطَاعِم، مَنَازِل، مَحَافِل، مَزَارِع، مَصَانِع، ...

✍️ **إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودآزمایی).**

○ تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ وَ اسْمِ الْمَكَانِ. (حدیث‌های زیر را ترجمه کن، سپس زیر اسم تفضیل و اسم مکان خط بکش).

۱ أَعْلَمَ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۲ أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳ شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ (ع)

۴ الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ لَا دَارٌ مَقَرٌّ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ (ع)

۵ الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ (ع)

✍️ **إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودآزمایی).**

○ تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَالْعِبَارَتَيْنِ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ الْمَكَانِ وَ اسْمِ التَّفْضِيلِ. (دو آیه و دو عبارت را ترجمه کن، سپس زیر اسم مکان و اسم تفضیل خط بکش).

۱ «عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَ لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ...» الْحَجَرَات: ۱۱

۲ «... وَ جَادِلْهُمْ بِآيَاتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ» التَّحَلُّ: ۱۲۵

۳ كَانَتْ مَكْتَبَةً جُنْدِيٍّ سَابِوَرٍ فِي خَوْزِسْتَانَ أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

۴ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْخِلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

جَوَّازٌ (گفتگو)

(في سوقٍ مشهَدٍ) (در مشهد)

بَائِعُ الْمَلَابِسِ فروشنده	الرَّائِزَةُ الْعَرَبِيَّةُ زیارت‌کننده عرب
عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرْحَبًا بِكُمْ. بر شما سلام باد،	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ. سلام باد.
سِتُّونَ أَلْفَ تَومَانٍ. تومان.	كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟ این پیراهن مردانه است؟
عِنْدَنَا سِعْرُ خَمْسِينَ أَلْفَ تَومَانٍ. تَفْضَلِي أَنْظُرِي. ما به قیمت تومان داریم. نگاه کن.	أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ. ارزان‌تر از این این قیمت‌ها است.
أَبْيَضٌ وَ أَسْوَدٌ وَ أَزْرَقٌ وَ أَحْمَرٌ وَ أَصْفَرٌ وَ بَنَفْسَجِيٌّ. و سیاه و و قرمز و و بنفش.	أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟ کدام را دارید؟
تَبَدُّأُ الْأَسْعَارِ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تَومَانٍ. قیمت‌ها از تا تومان شروع می‌شود.	بِكَمْ تَومَانٍ هَذِهِ الْقَسَاتِينُ؟ این چند تومان است؟

۱. در کتاب «عِنْدَنَا» آمده، در حالی‌که در جواب دوم شخص مفرد باید ضمیر و فعل متناسب آن یعنی به‌صورت اول شخص مفرد بیاید: هَلْ ذَهَبْتَ (ذَهَبْتَ؟)؛ آیا رفتی؟ / نَعَمْ، أَنَا ذَهَبْتُ. بله، من رفتم.

سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ. ، قيمت بر اساس جنسها	الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ! گران است!
السَّرَوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تَومَانٍ، وَ السَّرَوَالُ النِّسَائِيُّ بِخَمْسِيَّةٍ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تَومَانٍ. شلوار مردانه تومان است، و شلوار زنانه تومان است.	بَكَمْ تَومَانٍ هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟ این چند تومان است؟
ذَلِكَ مَتَجَرٌّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلٌ أَفْضَلُ. آن مغازه است، او بهتری دارد.	أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ. شلوارهای از اینها را
فِي مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ ... در همکارش ...	
صَارَ الْمَبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تَومَانٍ. أَعْطَانِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا. مبلغ (قیمت) تومان شد. پس از به من (تومان) بده.	رَجَاءً، أَعْطَانِي سَرَوَالًا مِنْ هَذَا النُّوعِ... كَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟ به من شلوازی از این نوع مبلغ (قیمت) چقدر ؟

تمرینات

أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (كدام كلمه از كلمات لغت‌نامه درس با توضیحات زیر تناسب دارد؟)

- ۱ أولئك هم الذين لا يتوبون من الكبائر والمعاصي.
- ۲ ينهى القرآن المؤمنين في تفحص أمور الناس.
- ۳ هو اتهام شخص لشخص آخر بدون دليل منطقي.
- ۴ هي من أهم أسباب قطع التواصل بين الناس.
- ۵ العمل الذي شبهه بأكل لحم الميت.
- ۶ أي سورة من سور القرآن سميت بسورة الأخلاق؟

تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ وَ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (این حدیث‌های نبوی و آیات را ترجمه کن، سپس [آنچه] خواسته شده از تو را معین کن.)

- ۱ أَلْتَدُّمَ عَلَى الشُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ النَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
..... / الْمُبْتَدَأُ: / الْخَبَرُ:
- ۲ أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
..... / اسْمُ التَّفْضِيلِ: / الْجَزَّ وَ الْمَجْرُوزُ:
- ۳ ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۸۶
..... / الْفَاعِلُ: / الْمَفْعُولُ:

۴ ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْحُ: ۲۶

..... / الْفَاعِلُ: / الْمَفْعُولُ:

۵ إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

..... / الْفِعْلُ الْمَاضِي الْمَجْهُولُ: / الْمُضَافُ إِلَيْهِ:

۶ اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

..... / فِعْلُ الْأَمْرِ: / الْفِعْلُ الْمَاضِي:

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ. (فعل‌های زیر را ترجمه کن.)

المضارع	الماضي	الأمْر	المستقبل	المصدر
أَصْلَحُ:	أَصْلَحَ:	أَصْلِحْ:	سَتُصْلِحُ:	إِصْلَاح: آباد کردن
تَتَسَمَّى:	تَسَمَّى:	تَسَمَّيْ:	سَوْفَ أُتَسَمَّى:	إِتِّسَام: لبخند زدن
يَنْبَعُثُ:	نَبَعُثَ:	انْبَعِثْ:	سَتَنْبَعُثُ:	انْبِعَاث: فرستاده شدن
تَسْتَكْبِرُ:	تَسْتَكْبَرُ:	اسْتَكْبِرْ:	سَوْفَ تَسْتَكْبِرُ:	اسْتِكْبَار: گردن فرازی کردن
يَتَكَاسَلُ:	تَكَاسَلَ:	تَكَاسَلِي:	سَتَتَكَاسَلُ:	تَكَاسُل: تنبلی کردن
نُجَاهِدُ:	جَاهَدَ:	جَاهِدْ:	سَوْفَ يُجَاهِدُ:	مُجَاهَدَة: تلاش کردن
تَتَوَاصَلُ:	تَوَاصَلَ:	تَوَاصَلْ:	سَتَتَوَاصَلُ:	تَوَاصُل: ارتباط داشتن
تُبَلِّغُ:	بَلَّغَ:	بَلِّغْ:	سَوْفَ تُبَلِّغُ:	تَبْلِيغ: رساندن

اَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ. (عملیات حسابی زیر را مانند مثال بنویس.)

+ زائد ، - ناقص ، ÷ تقسیم علی ، × ضرب في

$$۱۴ = ۴ + ۱۰$$

۱ عَشْرَةٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ.

۲ مِثَّةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسٍ يُسَاوِي عَشْرِينَ.

۳ سِتَّةٌ فِي سِتَّةٍ يُسَاوِي سِتَّةً وَ ثَلَاثِينَ.

۴ خَمْسُونَ نَاقِصٌ سَبْعَةَ يُسَاوِي ثَلَاثَةَ وَ أَرْبَعِينَ.

۵ تِسْعَةٌ وَ تِسْعُونَ نَاقِصٌ وَاحِدٍ يُسَاوِي ثَمَانِيَةً وَ تِسْعِينَ.

۶ اِثْنَانِ وَ اَرْبَعُونَ زَائِدٌ خَمْسَةَ وَ ثَلَاثِينَ يُسَاوِي سَبْعَةَ وَ سَبْعِينَ.

۷ سِتَّةٌ فِي اَحَدٍ عَشَرَ يُسَاوِي سِتَّةً وَ سِتِّينَ.

عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْاِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلَوَّنَةِ. (نقش کلمات رنگی را مشخص کن.)

۱ عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أميرالمؤمنین علیؑ

۲ اَلسُّكُوْتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِصَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَبَتْ نَفْسُهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۴ لَيْسَ شَيْءٌ اَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۵ ﴿أَيُّ حَبِّ أَحَدِكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا...﴾ الْحَجَرَاتُ: ۱۲

۶ إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

تَرْجِمِ التَّرَاكِيبَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ، وَ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ وَ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ. (ترکیب‌های زیر را ترجمه کن، سپس اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه و اسم مکان و اسم تفضیل را معین کن.)

- ﴿فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى﴾ السَّجْدَةُ: ۱۹ ﴿لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ﴾ الْإِسْرَاءُ: ۷
 يا رافعَ الدَّرَجَاتِ: يا حَتَّانُ يا مَتَّانُ:
 يا خالقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ: يا كاشِفَ كُلِّ مَكْرُوبٍ:
 يا عَلَّامَ الْغُيُوبِ: يا مُلْجَأَ الْعاصِينَ:
 يا غافِرَ الْمُذْنِبِينَ: يا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ:
 يا خَيْرَ الْمَشْكُورِينَ: يا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ:
 يا سِتَّارَ الْعُيُوبِ: يا أَعَزَّ مِنْ كُلِّ عَزِيزٍ:

عَيِّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ مِنَ الْآيَاتِ الْقُرْآنِيَّةِ وَ الْأَدْعِيَّةِ. (اسم تفضیل را از آیات قرآنی و دعاها معین کن.)

- ۱ ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ﴾ الْحَدِيدِ: ۳
 ۲ ﴿إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾ الْكَهْفِ: ۳۰
 ۳ ﴿أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَ وِلْدًا﴾ الْكَهْفِ: ۳۹
 ۴ ﴿فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ﴾ الْغَاشِيَةِ: ۲۴
 ۵ ﴿وَ أَكْثَرَهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ۱۱۰
 ۶ ﴿إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ الْعَلَقِ: ۳ و ۴
 ۷ يا أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ. مِنْ دَعَاءِ جَوْشَنِ كَبِيرِ
 ۸ يا أَكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ. مِنْ دَعَاءِ جَوْشَنِ كَبِيرِ
 ۹ يا أَجَلَّ مِنْ كُلِّ جَلِيلٍ. مِنْ دَعَاءِ جَوْشَنِ كَبِيرِ

صَحِّحِ الْمُتْرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (مترادفها و متضادها را در جای خالی مناسب آن قرار بده.)

الْمَأْوَى - الدَّنْبُ - الظَّاهِرُ - الْحَيِّ - رُبَّمَا - اسْتَهْزَأَ - أَحَبَّ - الْجَمِيلُ - الْوُضَلُ - الْأَدَّلُ - أَحْسَنُ - الدَّلِيلُ

- الْحَفِيِّ ≠ عَسَى = الْإِثْمُ = الْفَضْلُ ≠
 السَّبَبُ = الْقَبِيحُ ≠ كَرِهَ ≠ سَخِرَ مِنْ =
 الْأَفْضَلُ = الْمَيْتُ ≠ الْأَعَزُّ ≠ الْمَلْجَأُ =

